

## نمایش‌اتمی‌سار کوزی

**محمدحسین باقی**: سار کوزی، رئیس‌جمهور فرانسه در حالی سفر هسته‌ای خود را در خاورمیانه به پایان رساند که قراردادهایی پرمنفعت را با اعراب به امضا رساند. این سفر که در لافقه بزرگنمایی تهدید ایران انجام شد در باطن امر اما موضوعی دیگر را در دستور کار داشت. بنا به نظر تحلیلگران با تغییر قدرت در اروپا و روی کار آمدن رهبران جدید در قاره سبز، گویی نقش سیاسی کشورها نیز تغییر یافت.اگر تا پیش از این و در دوره بلر، وی همگام و همدوش ایالات متحده بود،اما با روی کار آمدن براون در انگلستان و سارکوزی در فرانسه نقش این دو کشور در همگامی با آمریکا دگرگون شده است.اگر تا پیش از این در فرانسه سیاست خارجی معتدلی در پیش گرفته می‌شد،اما در دوره سار کوزی این سیاست خارجی معتدل، رویه دیگری یافته است.

فرانسه که در سالیان گذشته سعی در نزدیکی بیشتر بااسرائیل داشت به نظر می‌رسید ارتباط خود با کشورهای خاورمیانه را از زاویه رابطه با اسرائیل می‌نگریست.اماکنون دولت فرانسه در سدد است تا وجهه خود را به «گونه دیگری» ترسیم کند. این «گونه دیگر»

### تحلیل

نیکولا سار کوزی، رئیس

جمهوری فرانسه در

اواسط ماه ژانویه دیداری سه روزه از سه کشور عربی حاشیه خلیج فارس یعنی عربستان سعودی، قطر و امارات متحده عربی داشت. گرچه دستاوردهای سفر سارکوزی پیش از آغاز آن تا حدی قابل پیش‌بینی بود، اما توافق فرانسه و امارات متحده عربی برای ساخت یک پایگاه نظامی دائمی از سوی فرانسه در کشور امارات، نگاه‌های جدی‌تری را به‌سوی روابط فرانسه با کشورهای عرب حوزه خلیج‌فارس جلب کرد. فرانسه در کنار ایالات متحده و بریتانیا یکی از تأمین‌کنندگان سنتی و اصلی تسلیحات کشورهای حاشیه جنوبی خلیج‌فارس است. در سفر اخیر سارکوزی باز هم قراردادهای میلیارد دلاری میان فرانسه و سه کشور خلیج فارس به منظور فروش تجهیزات نظامی و تسلیحات منعقد شد، اما بحث ایجاد یک پایگاه نظامی دائمی

فرانسوی در ابوظبی مسئله‌ای کاملاً جدید تلقی می‌شود.

می‌توان از سفر سارکوزی این‌گونه استنباط کرد که روابط میان فرانسه و کشورهای عربی خلیج فارس در حال ورود به یک مرحله جدید است. نگاهی به اهداف سارکوزی از این سفر و نیت شیوخ عرب خلیج‌فارس از توافقات جدید با فرانسه، ورود به این مرحله جدید را گواهی می‌دهند. هر دو طرف در مذاکرات خود اهداف چهار گانه اقتصادی، فرهنگی، نظامی و سیاسی –امنیتی را دنبال می‌کردند که در ذیل به آنها اشاره می‌شود:

۱- اهداف اقتصادی: فرانسه منافع اقتصادی شایان توجهی از ارتباط با کشورهای ثروتمند عرب خلیج‌فارس کسب خواهد کرد. این کشورها بازار پر درآمدی برای کالاهای فرانسوی ایجاد می‌کنند. همچنین فرانسه می‌تواند با توجه به افزایش قیمت‌های جهانی نفت، از طریق سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نفتی یا انعقاد قراردادهای دوجانبه، تأمین انرژی کشور را تضمین کند. کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به ویژه عربستان سعودی به دلیل وسعت ارضی، در زمینه زیربناهای اقتصادی دارای کمبودهای فراوان است که از این منظر سرمایه‌گذاری فرانسه، منافع دو طرف را در پی دارد. به عنوان مثال براساس اعلام رسمی مقامات فرانسوی، سارکوزی در سفر سه روزه خود چندین قرارداد اقتصادی و نظامی به مبلغ ۴۰ میلیارد یورو (۵۶ میلیارد دلار) با عربستان سعودی امضا کرد. این قراردادها به خوبی نشان می‌دهد که ارتباط با کشورهای عربی خلیج فارس تا چه میزان می‌تواند در تحرک اقتصاد فرانسه موثر باشد.

۲- اهداف فرهنگی: فرانسه همواره برای تأمین منافع خود در کشورهای در حال توسعه از ابزارهای فرهنگی به خوبی استفاده کرده است تا جایی که برخی از استثمار نامحسوس فرهنگی فرانسه در بسیاری از کشورهای به ویژه کلونی‌های سابق این کشور یاد می‌کنند. دولت فرانسه مستقیماً به این امر اشاره کرد که سفر سارکوزی، نیت فرهنگی را نیز در برمی‌گیرد. کشورهای عرب حاشیه خلیج‌فارس قصد دارند، از قلبیت‌های اقتصادی خود برای بهبود وضعیت علمی و فرهنگی کشورهایشان استفاده کنند. این امر به‌ویژه در امارات متحده عربی قابل مشاهده است، چرا که امیر ابوظبی قصد خود را برای مبدل ساختن ابوظبی به مرکز علمی خاورمیانه در حدود یک سال پیش رسماً اعلام کرد. وی بودجه‌ای

همان ارتباط نزدیک‌تر و مستقل‌تر با اعراب ثروتمند حاشیه خلیج‌فارس است. این ارتباط نزدیک اما نه صرفاً در ارتباطات تجاری – مالی که در بعد نظامی – هسته‌ای نمود یافته است. این رویکرد هسته‌ای فرانسه نشانگر این است که هر چند این کشور دم از مخالفت با برنامه هسته‌ای برخی کشورها می‌زند، اما برای از کف ندانن بازار (نظامی) خاورمیانه اصولاً مخالفتی با کاربرد انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای ندارد؛ بازاری که از یکسو ایالات متحده به عنوان بزرگ‌ترین شریک نظامی به عقد قراردادهای هفگفت نظامی و تأسیس پایگاه‌های نظامی در آن مبادرت می‌ورزد و از سوی دیگر انگلستان به دلیل نقش تاریخی خود در منطقه در آن حضور نظامی دارد و طرف سوم این معاملات نظامی روسیه است. فرانسه نیز برای از کف ندادن این بازار بزرگ نظامی بیکار ننشسته است. پول‌هایی که باید صرف توسعه آموزشی، اقتصادی و فرهنگی کشورهای منطقه شود صرف خریدهای هفگفت نظامی – هسته‌ای می‌شود. نکته در اینجااست که فرانسوی‌ها همیشه اولین گام را در راه هسته‌ای شدن کشورها برداشته‌اند. نمونه آن لیبی، مراکش، الجزایر و عراق است اما پس از کسب منافع اقتصادی خود دست از کار کشیده و سایر کشورها همچون ایالات متحده میدان‌دار می‌شوند. برخی تحلیلگران غربی بر این باورند که «هرچه کشورها به

## جهان

سرمایه‌گذاری در انرژی هسته‌ای غیرنظامی تمایل بیشتری نشان می‌دهند، دانش فناوری هسته‌ای نیز قابل دسترس‌تر می‌شود و این موضوع به نگرانی درباره احتمال گسترش جنگ‌افزارهای هسته‌ای دامن می‌زند». همکاری فرانسه با کشورهای عرب همکاری قدمت‌داری است. این همکاری به سال‌های دهه ۸۰ برمی‌گردد که در چارچوب آن عراق به عنوان اولین کشور عربی صاحب یک نیروگاه اتمی فرانسوی شد که در نهایت سال‌ها بعد از سوی هواییهای اسرائیلی نابود شد. شاید بتوان این «نمایش سِپار اتمی» سارکوزی را در این چارچوب تحلیل کرد:

۱- نفت در آینده نه چندان دوری به اتمام می‌رسد و لذا بهترین و پاک‌ترین سوخت همانا انرژی هسته‌ای است. لذا با تگرش به آینده غرب به این باور رسیده که برای کسب اهداف استراتژیک بلندمدت زمینه چنین معاملهای را فراهم سازد. افزون بر این برای ممانعت از بهانه‌گیری برخی کشورها مبنی بر استفاده انحصاری غرب از انرژی هسته‌ای سارکوزی در قطر چنین تصریح می‌کند: «در ۴۰ سال آینده هیچ نفتی و در ۱۰۰ سال آینده هم هیچ گازی وجود نخواهد داشت. بنابراین انرژی هسته‌ای جایگزین سایر منابع انرژی خواهد شد. این انرژی آینده‌است. پس چرا اعراب باید از آن محروم شوند؟» این در حالی است که وی در

و خلیج‌فارس نیز توسعه دهد و در

سیاست‌های منطقه‌ای قدرت‌های بزرگ به‌ویژه در همکاری با ایالات متحده آمریکا مشارکت بیشتری داشته‌باشد.

حضور نظامی فرانسه در خلیج فارس و تأسیس یک پایگاه نظامی در امارات به شدت مورد استقبال شیوخ عرب قرار می‌گیرد، چرا که به دلیل مخالفت‌های داخلی موجود در این کشورها علیه تأسیس هرگونه پایگاه نظامی از سوی ایالات متحده و بریتانیا، فرانسه می‌تواند جایگزین خوبی برای تأمین امنیت اعراب خلیج‌فارس باشد. حفظ امنیت کشورهای عربی خلیج در واقع به ذهنیت نخیکان حاکم بر این کشورها نسبت به جمهوری اسلامی ایران اشاره دارد.

این کشورها روند جاری بر سر پرونده هسته‌ای ایران را به شدت به زیان خود می‌بینند.

این نکته را نیز باید مورد اذعان قرار داد که تأسیس پایگاه نظامی فرانسه در ابوظبی کاملاً در همگونی با منافع ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس قرار دارد. استقرار پایگاه نظامی آمریکا در عربستان طی جنگ ۲۰۰۳ عراق با مخالفت حکام این کشور روبه‌رو شد و شیخ خلیفه بن زاید آل‌نهیان نیز– به نقل از منابع بریتانیایی – از روابط خوبی با دیپلمات‌های بریتانیایی برخوردار نیست.

با توجه به این مؤلفه‌ها، پایگاه نظامی فرانسه در ابوظبی جایگزین بسیار مناسبی برای حضور نیروهای نظامی آمریکا با بریتانیا در منطقه خواهد بود چرا که نه مخالفت‌های داخلی در کشورهای عربی را برمی‌انگیزد و نه احساس تهدید شدیدی را برای ایران ایجاد می‌کند.

در مجموع با در نظر گرفتن اهداف دوجانبه دولت فرانسه و سه کشور عربستان سعودی، قطر و امارات از انعقاد توافقات انجام شده به‌ویژه در زمینه نظامی می‌توان پیامدهای مهمی را برای امنیت منطقه پیش‌بینی کرد. به اعتقاد نگارنده اقدام سارکوزی در زمینه استقرار پایگاه نظامی در ابوظبی کاملاً در جهت اهداف منطقه‌ای ایالات متحده آمریکا قابل تحلیل است.

سارکوزی از یک سو در حال تحقق بخشیدن به حضور جهانی فرانسه است. فرانسه گرچه به لحاظ اقتصادی از توانایی‌های آمریکا، ژاپن، بریتانیا و آلمان برخوردار نیست، اما به دلیل اینکه به جز بریتانیا، تنها قدرت اتمی اروپا به‌حساب می‌آید و حضور فعالی در ماموریت‌های نظامی فرامنطقه‌ای دارد، ابزار نظامی را بهترین وسیله برای حضور و نفوذ در کشورهای در حال توسعه قلمداد می‌کند. فرانسه از سوی دیگر به دلیل محدودیت‌های موجود در مقابل ایالات متحده، به‌شکلی غیرمحسوس اهداف آمریکا را در منطقه پیگیری می‌کند. فرانسه امروز برخلاف دوران شیراک، دیگر در صدد مقابله با اقدامات آمریکا– مانند آنچه که در سال ۲۰۰۳ در قبال عراق انجام داد– نیست. به‌نظر می‌رسد فرانسه درباره ایران در حال طی مسیری کاملاً متفاوت و در جهت اهداف آمریکاست. بدین ترتیب جای آن دارد که دولتمردان جمهوری اسلامی ایران با دقت بیشتری نزدیکی خاص ناشی دولت‌های فرانسه و ایالات متحده را مورد توجه قرار دهند.

نظامی در خلیج فارس در عین‌حال زمینه ساز تحقق خواست دیگر سارکوزی یعنی نزدیکی بیشتر به آمریکا و تقویت نقش فرانسه در ناتو نیز هست. سارکوزی در مذاکرات‌اش با بوش در مورد بازگشت کامل فرانسه به ساختارهای نظامی مورد نظر ناتو اعلام آمادگی کرد. لازم به یادآوری است که دوکل در سال ۱۹۶۶ فرانسه را از این ساختار نظامی خارج کرد، اما شیراک در سال ۱۹۹۶ کشورش را به کمیسیون نظامی ناتو بازگرداند ولی فرانسه همچنان هیچ نقشی در گروه برنامه‌ریزی اتمی و دفاعی ناتو ندارد. اما گرایش‌های سارکوزی به آمریکا موجب تقویت حضور نظامی فرانسه در افغانستان شد و حال مداخله نظامی مستقیم این کشور در مناقشات احتمالی خاورمیانه، اهمیت فرانسه را به عنوان یکی از متحنان آمریکا دو چندان می‌کند. در مورد هزینه این پایگاه نظامی تا به امروز اطلاعاتی دقیقی وجود ندارد، اما امارات در گذشته همواره در مقابل فرانسه دست و دلبازی نشان داده است. علاوه برآن فرانسه عهده‌دار ساخت دو موسسه دولتی در ابوظبی هم هست یعنی ساخت شعبه سورین و موزه لوور. سارکوزی ادعا می‌کند که حضور نظامی کشورش در امارات رابطه مستقیم با تقویت یک «دولت مسلمان صلح جو و با ثبات و مداراگر» دارد. «این نشان می‌دهد که یک دولت عربی می‌تواند با هویت، مدرنیته، مداراگری و احترام به سنت‌های دیگران آشتی کند. بهتر این است که کشورهای دوست به یکدیگر کمک کنند و الگوی هم قرار گیرند.» البته نباید فراموش کرد که سارکوزی برای چنین اقدام‌هایی باید حمایت اکثر فرانسویان را نیز جلب کند، همان فرانسویانی که به دلیل هزینه سالانه ۱۵۰ میلیون یورویی پایگاه جیئوتی همواره نسبت به این قبیل اقدام‌ها ناراضی هستند.

**منبع:فرانکفورتر آنکماینه**

### ۵

### کارگزاران

ادامه سخنان خود چنین می‌گوید: «اگر انرژی هسته‌ای تنها از سوی دموکراسی‌های غربی استفاده شود،برزیم ایران را به این باور می‌رساند که غرب از این انرژی سوءاستفاده می‌کند و لذا اعتباری برای سخنان ایران فراهم خواهد آورد. فرانسه از ایران می‌خواهد که مسابقه هسته‌ای خود را کنار بگذارد. شما به آن هیچ نیازی ندارید.اما اگر از مسابقه هسته‌ای خود دست بردارید، اجازه خواهید یافت که از انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز بهره‌مند شوید.»

۲- غرب سعی می‌کند تا کنترل انحصاری هسته‌ای را در دست گیرد، چرا که افزوده

شدن یک قدرت هسته‌ای به باشگاه دارندگان سلاح هسته‌ای توازن هسته‌ای را برهم می‌زند. افزون بر این غرب بر این باور است که «خود انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای همراه با سوخت آن را در اختیار کشورهای می‌گذاریم تا به صورت کنترل شده بتوان بر آن نظارت کرد».

نیروگاهی که فرانسه می‌خواهد به عرب‌ها بفروشد از نوع رآکتورهای اروپایی با فشار آب

سبک است، لذا این فروش به معنای فروش تکنولوژی را سوخت هسته‌ای نیست. حال

پرسی این است که اعراب با نظام‌های سیاسی بسته و اقتدار گرا و منابع عظیم نفتی آیا به

نیروگاه‌های هسته‌ای نیازمندند یا به اصلاح نظام سیاسی آموزشی خود.

#### یادداشت

#### دستاوردهای سفر سارکوزی به خلیج فارس

### عدول از مواضع گلیستی؟

جواد رنجبر: سفر نیکولا سارکوزی به خلیج فارس و انعقاد چند قرارداد مهم همکاری هسته‌ای و نظامی به ارزش میلیاردها دلار با کشورهای این منطقه حساس نقطه عطفی در سیاست خارجی فرانسه و تحولات خلیج فارس به شمار می‌رود. رئیس‌جمهور فرانسه با گشاده‌رویی و سخاوت، علاوه بر تأمین نیازهای هسته‌ای و کمک به تأمین برق نفت‌خیزترین کشورهای جهان، بر تأسیس یک پایگاه دائمی نظامی‌در امارات توافق کرد. در کنار این توافقات اقتصادی-فنی، حضور سارکوزی در خلیج فارس ابعاد فرهنگی و سیاسی پرتنگی یافت. در بعد فرهنگی تصمیم به ساخت موزه لوور–الرمال و شعبه دانشگاه سوربن در ابوظبی و در بعد سیاسی پرداختن به موضوع لبنان، فلسطین و مسئله هسته‌ای ایران در عربستان جزء برنامه‌های رئیس‌جمهور فرانسه بود. توافق هسته‌ای و نظامی فرانسه با اعراب در حالی اتفاق می‌افتد که مسئله استفاده از انرژی هسته‌ای و نیز اهمیت ژئواستراتژیک خلیج فارس و تنگه هرمز با تأثیرپذیری از جنجال برنامه‌های هسته‌ای ایران از مهم‌ترین موضوعات بین المللی به شمار می‌روند.

توافقات نسبت‌با گسترده هسته‌ای میان فرانسه و کشورهای حاشیه خلیج فارس از جمله عربستان، امارات و قطر که شامل کمک به ایجاد نیروگاه هسته‌ای است صرفاً قراردادی معمولی و دوجانبه به حساب نمی‌آید. قرار دادن انرژی هسته‌ای در اختیار کشورهای عربی یکی از سیاست‌های جدی سارکوزی است، او در مدت کوتاه ریاست خود بر فرانسه شش قرارداد همکاری هسته‌ای با اعراب امضا کرده است. در این قراردادها چند پیام مهم وجود دارد. پیام اول به کشورهای عربی است. سارکوزی با حرف‌زدن از موضوع حساسیت برانگیزی چون انرژی هسته‌ای با اعراب، خود را به عنوان شریک و قدرتی قابل اعتماد به آنها معرفی می‌کند. از سوی دیگر این هم سخنی، آثار نزدیکی سارکوزی به اسرائیل را در نزد اعراب کم رنگ می‌کند. برخی از تحلیلگران معتقدند پیام دیگر فرانسه به ایران است. بر مبنای این تحلیل، فرانسه به عنوان یکی از قدرت‌های موثر در بحران هسته‌ای ایران که سخت‌گیری‌های بسیاری نیز در این مورد اعمال می‌کند آماده است در صورت همکاری طرف مقابل، به راحتی و بدون قید و شرط آن را به انرژی هسته‌ای مجهز کند.

اما آنچه سیاست حساسیت‌های فرانسه با اعراب را تعمیق می‌کند حضور نظامی مستقیم فرانسه در خلیج فارس است. طبق قراردادی که میان فرانسه و امارات منعقد شده است پایگاهی برای استقرار حدود ۵۰۰ نظامی فرانسوی از نیروی دریایی و هوایی در



تنگه هرمز ایجاد خواهد شد. این قرارداد از چند جنبه حائز اهمیت است. از یک‌سو در صورت تحقق این برنامه، فرانسه اولین قدرت غربی است که پس از آمریکا امکان حضور نظامی مستقیم در خلیج فارس را پیدا می‌کند. این مسئله از آن جهت دارای اهمیت است که همواره هر نوع حضور یا عدم حضور فرانسه در خلیج فارس رابطه‌ای عمیق با حضور و میزان قدرت بریتانیا و ایالات متحده داشته است. نقطه ثقل مؤلفه‌ها در تحلیل سفر سارکوزی به خلیج فارس پیوند آن با سیاست‌های آمریکا و دوره پس از تونی بلر در بریتانیاست.

از سوی دیگر حضور نظامی مستقیم فرانسه در خلیج فارس (به شرط تحقق) این کشور را از موضع مخالفت‌های دیپلماتیک با همراهی اجبارآمیز با ایالات متحده و هم‌پیمانش به موقعیت اثر بخشی مستقیم‌ار تقا می‌دهد. فرانسه در دیف کشورهای باسابقه استعماری است و حضور این کشور در خلیج فارس به سال ۱۶۲۳ برمی‌گردد. در این دوره فرانسویان با فرستادن میلیون مذهبی و تأسیس یک شرکت حمل و نقل دریایی در حال استقرار در خلیج فارس بودند اما به علت قدرت بیشتر بریتانیا در این منطقه موفق نشدند و تنها سایه فرهنگی فرانسه به واسطه زبان و فرهنگ غنی بر سر اعراب ماند. به نظر می‌رسد سارکوزی در داعیه تحول در سیاست خارجی کشورش را با تغییر در مبانی گلیستی آن دارد در حال بهره‌برداری هم‌زمان و بهینه از سابقه فرهنگی، توان تکنولوژیک، قدرت نظامی و وجهه سیاسی فرانسه برای نقش آفرینی در امورات خلیج فارس است. سومین وجه حضور نظامی فرانسه در خلیج فارس به طور طبیعی معطوف به جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. هر نوع حضور فرانسه در خلیج فارس در روابط این کشور با ایران نیز موثر خواهد بود. این اث‌ریخشی از زاویه سیاست‌های سارکوزی و دولتمردانش در قبال ایران اهمیت بیشتری می‌یابد. روابط ایران و فرانسه با روی کار آمدن سارکوزی و به رسمیت شناخته شدن راه حل خصمانه در قبال ایران از سوی وزیر امور خارجه دولت سارکوزی رو به تنش گذاشته است.

این سیاست با دو مؤلفه همراهی فرانسه با سیاست‌های تندروانه آمریکا و تمایل شدید سارکوزی برای نزدیکی به اسرائیل و اعراب تشدید می‌شود. نزدیک شدن فرانسه به آمریکا نوعی اتحاد در جهه دش ایرانی است. در مورد نزدیکی فرانسه به اعراب نیز سارکوزی از زمان روی کار آمدن نه تنها حجم زیادی از قراردادها را با اعراب منعقد کرده بلکه روابط شخصی خود با سران کشورهای عربی را نیز افزایش داده است. گذراندن تعطیلات کریسمس در اردن و مصر نمونه باز علاقه سارکوزی به اعراب است. از مجموعه‌این سیاست‌ها یک نتیجه‌گیری بزرگ قابل استخراج است. هم اعمال سارکوزی و هم برخی تاکیدات وی نشان می‌دهد که از نظر فرانسه جهان اسلام که مهمترین رقیب غرب در توروی جنگ تمدن‌هاست به دو شق قابل تقسیم است. شق اول جهان اسلام، دولت‌های نزدیک به غرب است.

شق دوم این جهان بزرگ، که از نظر غربی‌ها افراطی هستند نه در حوزه فرهنگ و نه در حوزه سیاست همراهی ثمر بخشی با غرب نخواهند داشت. سیاست جدید فرانسه ظاهراً تقویت بخش غربگراست. این سیاست تغییر نسبتاً بزرگی در گلیسم حاکم بر سیاست خارجی فرانسه در پنج دهه گذشته است هر چند که مخالفانی هم در ش‌رکای فرانسه به ویژه آلمان و در میان احزاب مخالف دولت (سوسیالیست‌ها و سبزها) دارد.



سارکوزی همواره ادعا می‌کرد که یک ایران مسلح به بمب اتم برای فرانسه «غیرقابل قبول» است.سارکوزی خط‌مشی سختگیرانه‌تری در قبال ایران پیش گرفت تا با ناکش به این زودهای کسی با آل‌ترناتیو «جنب‌ها یا بمباران‌های ایران» مواجه نشود. او در ماه دسامبر طی مصاحبه‌ای ضمن تأکید بر این خط‌مشی سختگیرانه گفت: «خطر جنگ وجود دارد.» ساخت این پایگاه

«این نشانه‌ای است برای همه تا بدانند فرانسه در برقراری ثبات در

این منطقه از جهان مشارکت دارد.» البته سارکوزی این بار در مورد تهدید ایران حرفی نزد اما ناکفته پیداست که فرانسه در آینده و در صورت هرگونه درگیری با ایران در نوک خط حمله قرار خواهد داشت. در گذشته و در حال ممکن که شیراک در مصاحبه‌اش از چشم‌انداز ایران مسلح به بمب هسته‌ای ابراز نگرانی می‌کرد،